

دقیقه [ای] بذل اهتمام نمایند ، و اگر اقامت ایشان در باسنج ، به پاره [ای] ملاحظات ، عجالةً انسب و اجلی است ، اولاً نایب‌الحکومه از طرف ایشان بپذیرید که نیابةً در رفع غوایل مذکوره ، ساعی باشد ، خلاصه تماماً نقطه نظر ، در استحصال ترتیبی که مداخله غیر را مرفوع دارد . و به همین جهت می‌شود که دیروز خودمان را سپر ملامت قرار داده به رشت گفتیم که بعد از حصول مقصود اقدامات قزوین ، عوض فایده ضرر دارد ؛ حال هم به همین عقیده هستیم و از جنابان عالی استمداد می‌کنیم که هر جا و هر چه باید زودتر بگوئید ، تا صلح مرکز در اطراف ، به صورت جنگ جلوه نکند . و امیدواریم در این چند روزه ، ان شاء الله تعالی مشاهده و تصدیق خواهید فرمود که حسن استقبال شاهانه ، در استحکام مبانی اتحاد و استحصال مقاصد ملت ، تا چه اندازه از آنچه امید و انتظار داشتیم ، بالاتر است . همین قدر این نکته را رعایت فرمائید که : اولاً العیاذ بالله موضوع خلل پذیر نگردد ؛ ثانیاً از طرفین به حبل‌المتین اتحاد و اتفاق بیچسیم ، نجات ما در آن است . یحیی حشمت‌الدوله ، مستشارالدوله ، ابوالفتح طباطبائی .

پس از عودت اولیای دولت به ملت‌نوازی و تجدید مناسبات دوستانه و مهر‌پداری و فرزندی ، میان سلطان و رعیت ، شك نیست که عقاید آقایان معظم هم در این است که باید دست از اقدامات تجاوزی برداشته و در حفظ مدافع ماند ، تا کارها یکسره ختم گردد . چه که این هیئت ، کرامتاً در این ابتلا و مصائب خود به تمام عالم اعلان کرده ، که غیر از حقوق خود ، چیزی نمی‌خواهند و همان را خون بها ، وجه غرامت شهدا و خسارت خود دانسته ، به انتقام راغب نخواهند گشت . باقی ادعیه خالصانه را بر مزید عزت و توفیق حضرات عالی تقدیم می‌کنیم . انجمن ایالتی

تقل از کشکول

دو روز متوالاً ۲۲ و ۲۳ ، سرداران محترم بختیاری و هیئت عاقله مقننه اصفهان ، در تلگرافخانه حاضر شده ، با حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم و انجمن محترم ایالتی آذربایجان ، مخابرات حضوری نمودند و در تعیین تکلیف امر روزی مشورت می‌فرمودند .

دیروز اعلانی به در و دیوار چسباندند ، به امضاء وزراء که حمل اسلحه در شهر ، برای غیر نظام‌غدغن اکید است ؛ و نیز در خانه‌ها اگر صدای تفنگ شنیده شود ، مجازات داده شود . و نیز اعلانی دیگر که اجتماعات قدغن است ، مگر آنکه يك نفر قزاق در آنجا حاضر باشد .

دیروز وزراء ، در خانه حاج امام جمعه خوی، نشسته ، در مسئله انتخابات مذاکره بود . دیروز شاه ، از باغ شاه ، به قصر سلطنت آباد نقل کرد ، چه آنجا هم هوای خوبی دارد و هم سنگر محکمی می باشد. سپهدار هم هنوز ساکت نشده است .

حکومت اصفهان ، رسماً با سردار معتمد شد. ناصرالدوله هم بنیاد بافوج خود ، در کاشان توقف کند. در مشهد هم ، انجمن ایالتی و کمیسیون جنگ و غیره مفتوح و خوب کار می کنند . حکومت خراسان هم راجع به رکن الدوله شد .

روز سه شنبه ۲۷ ع ۲ [۱۳۲۷] - امروز رفتیم در خانه جناب آقای حبیبی ، دیدم برهان الدوله ، برادر نظام السلطنه ، آنجا بود . بعد هم حاج غفارخان آمد. معلوم شد، فرمانفرما، او را فرستاده بود که آقای حبیبی را راضی کنند ، برای رفتن نظام السلطنه به کرمان ؛ و آقای حبیبی هم راضی شد ، دیگر چه دادند به او ، معلوم نیست . همین قدر گفت ، فرمانفرما گفته است ، من می دانم صاحب اختیار برای کرمان و اهل کرمان خوب است ، ولی چه کنم پول ندارد و نظام السلطنه پول دارد ، آنچه حواله کند ، ارباب جمشید می دهد .

باری خیلی ماندم متفکر که يك نفر نیست محض رضای خدا ، برای خدمت به وطن کاری کند ، فقط دنیا ملحوظ است و دخل . . . بماند برای بعد .

چند روز قبل ، متحصنین تلگراف خانه ، با اهل تبریز ، مخا بره می کردند در حالتی که يك سیم تلگراف وصل به باغ شاه بود و مخا برات طرفین را دولتی ها گرفتند . و صورت یکی از تلگرافات از این قرار است :

### تلگراف تبریز

۲۵ ع ۲ - حضور مبارک افجه و سایر آقایان حاضرین تلگرافخانه .  
تلگراف مبارک زیارت و از معانی آن کاملاً مسبوق شدیم. گمان ما هم این است که نواقصی در کارست ، از تکمیل دستخط و تصریح بر متمم قانون اساسی و ایجاد وسیله ضامن و واسطه اطمینان و آزادی مخا برات و سایر فرمایشات عالی. ولی چه فایده که عجله دست ما ، به جهت اشغال واضطراب از ورود مهمانان تازه بسته است. ولی همین قدر می توانیم اطمینان بدهیم که تا رضائیت خاطر آن حضرات معظم کاملاً بعمل نیامده و مقاصدتان حاصل نشود و رضائیت تامه حضرات عالی به خط و مهر خودتان ، از طریق دیگر به ما نرسد ، ما هم قانع نخواهیم شد و شریک شکایت شما خواهیم بود . مستدعی آنکه رضائیت کامله خودتان را هنگام خصوصی به این جانبان ابلاغ کنید و ابدأ در این موقع که کارها به کام ملت است ، خود را مسلوب الحریه ندانسته و مجبور به رضائیت نشوید . ملت ایران عموماً از آذربایجان و اصفهان و گیلان و قزوین ، آن جنابان و حجج اسلام عتبات را مرکز صلح و واسطه امنیت و رضائیت خود می داند و بدون رضای حضرات عالی از

پای نخواستند نشست. مقاصد خود را کاملاً بیان فرمائید. (حاضرین تلگرافخانه).  
روز چهارشنبه ۲۸ ع ۲ [۱۳۲۷] - امروز مسموع گردید ، حاج علی قلی خان  
بختیاری در ۱۶ این ماه وارد اصفهان شده است؛ و در ۲۲ ، عده‌ای از سوار و پیاده را به طرفی  
حرکت داده است که معلوم نیست به کجا رفته‌اند . تلگرافی هم به فرمانفرما کرده است  
که « اگر مقاصد ملت بر آورده نشود و اطمینان از مشروطه حاصل نشود ، لایدم از حرکت  
دادن اردو ، الخ

فرمانفرما جواب داده است « فرض نکنید من فرمانفرمای وزیر داخله می‌باشم که  
با شما مخاברה می‌کنم ؛ بلکه من همان عبدالحسین میرزای بیست سال قبل ، و شامه همان  
حاجی علیقلی خان پسر . . . سردار اسعد . خوب رفیق ، با مشک خالی آب می‌پاشی ؟  
به کدام اردو و کدام همراهی ملت و چه پول و چه اتفاق ایلی می‌توانی اردو حرکت کنی ؟  
به خیالت من نمی‌دانم اختلاف ایلی و عدم همراهی اصفهانی را از شما ؟ رفیق جایت بنشین  
و مرا نترسان . اما در باب مشروطه : تا من مشروطه صحیح نمی‌دیدم ، وزارت داخله را  
قبول نمی‌کردم ؛ تا من مطمئن به وضع صحیح نمی‌شدم ، به ولایات اطلاع نمی‌دادم . مطمئن  
باشید . پیش آمد کار را صحیح و بی عیب بدانید ، الخ .

دیگر آنکه ، مسموع شد قوشون روس از آذربایجان برگشت و رفت ، و مقصودشان  
فقط همراهی از ضعف بوده است ، نه کشورگیری و نه نفاق ؛ بلکه یکی از دوستان گفت  
نهایت همراهی را از اهل آذربایجان کرده است ، تا بعد چه نتیجه دهد .

روز پنجشنبه ۲۹ ع ۲ [۱۳۲۷] امروز جناب ذوالریاستین آمد بنده منزل ، و گفت  
عده تلفات در این ده ماهه در آذربایجان از طرفین پنجاه [و] دو هزار نفر مرد ، و صد و  
شصت نفر زن ، و پنج هزار طفل ، چه از گرسنگی و بی‌دوائی ، و چه در وقت حمله  
ارشدالدوله ، درحالی که در مجلس روضه ، زیر پای اسب و یا هدف گلوله گردیده‌اند .  
در همدان هم عمیدالملک حاکم را ملت گرفته ، حبس کردند . در اردبیل هم بواسطه اقدامات  
رشیدالملک ، انجمن مفتوح گردید .

امروز تلگرافی از سپهدار رسید . فایده آن این شد که دستخط دیگر صادر شد که  
مشروطیت ، بر طبق همان قانون اساسی سابق است ؛ و صورت آن از این قرار است : نقل  
از روزنامه کشکول نمره ۶ :

رقعه محترمه انجمن مقدس ولایتی

خدمت جناب مستطاب شریعتمدار اجل آقای مجدالاسلام ، مدیر روزنامه  
کشکول دام بقاءه . اگرچه این روزنامه ، چنانچه در عنوان آن تصریح شده ،  
از قید رسمیت خارج است و مورد هیچ گونه مسؤلیت نتواند بود ، ولی چون در  
نمره ۱۲ ، صورت انجمن ایالتی فارس را به کاریکاتور نقش فرموده بودید ،

ممکن است که اسباب آزرده‌گی خاطر اعضاء آن انجمن شود. و چون اهالی غیرتمند فارس با آن موافقی که از برای آنها موجود بود، معذک تا این درجه همت فرموده، انجمن ایالتی منعقد فرمودند؛ درخور آنست که از آنها همه گونه تمجید و تحسین شود و چندان خرده بینی و عیب جوئی از آنها نشود. و فرضاً هم اگر پاره‌ای نواقص در انجمن باشد، رفته رفته به دفع موانع اصلاح شده یا می‌شود. و مخصوصاً شایسته مقام جنابعالی نیست با آنکه در همه وقت مسلک نگارشان عیب جوئی نبوده، در این موقع که باید جریده جنابعالی وسیله اتحاد و یک جهتی عموم ملت شود، آن جریده، مایه رنجش ملت فارس گردد. لذا محض بقاء و استحکام اتحاد و یک جهتی ملت فارس و اصفهان، از جناب عالی خواهشمند است که در نمره آتی، عذر آن را خواسته، به حسن بیانات خود تلافی فرمائید که مایه استرضاء خواطر آن ذوات محترم شود. (انجمن ولایتی)

## وقایع

ماه جمادی الاولی ۱۳۲۷

روز جمعه غره جمادی الاولی [ ۱۳۲۷ ] - امروز ، دستخط دیروز نشر گردید . ولی سپهدار گفته است تا اطمینان حاصل نشود ، اردو را متفرق نمی‌کنم ، و حاکم برای رشت و قزوین بفرستید ، ولی تنها باید بیاید و خودم از او همراهی می‌کنم و ضامن او می‌شوم ، و اگر با جمعیت بیاید قبول نخواهد شد .

امروز عصر ، دستخطی دیگر منتشر گردید که ، مضمونش آنکه : « قانون اساسی سابق را که عبارت است از صد و پنجاه و هشت فصل ، یعنی اصل قانون اساسی که به امضاء مرحوم مظفرالدین شاه و متمم آن را که به امضاء شاه حالیه است ، قبول و ملخص . . » هروقت صورت آن را دست آورده ، در این موقع درج می‌کنم .

روز شنبه ۲ ج ۱ [ ۱۳۲۷ ] - امروز حضرات سفارتی‌ها تماماً از سفارتخانه بیرون آمده ، حضرت صدرالعلماء رفت به قلعهک ، در باغ حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی منزل گرفت و گویا امنیت ندارد .

امروز وزراء کمسیون کرده دو ایراد بر شاه وارد آوردند ، یعنی گفتند : « شاه باید دو مقصد ما را بر آورده نماید و الا ما استعفاء می‌دهیم : اولاً آنکه تلگرافات ولایات را شاه خودش می‌خواند و خودش جواب می‌دهد و بعد از این تلگرافات را ما بخوانیم و ما جواب بدهیم ، لامحاله با اطلاع شاه ؛ ثانیاً آنکه امروز ادارات وزراء مخارج لازم دارد ، سیصد هزار تومان پول که شاه حاضر کرده بود برای جنگ آذربایجان موجود است ، این سیصد هزار تومان را بدهد به کابینه ، ما خرج ادارات می‌کنیم ، پس از این از مالیات بردارند . » از قرار مذکور هیچ یک را شاه قبول نکرده است .

دیگر آنکه کابینه رأی داده‌اند که سپهدار بیاید طهران و از او استقبال بکنند و به احترام با او سلوک نمایند تا پارلمان را مفتوح نماید .

## تلگراف از تهران به کرمان

دویم جمادی الاولی - چون از مراتب رأفت ملوکانه و مرحمت پندارانه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء در باره عموم ایرانیان کاملاً مطلع و از حسن نیت مقدسه، به خوبی مطمئن بودم که بعد از رفع محظورات، اعاده و استقرار اساس مشروطیت که مایه سعادت و ترقی این مملکت است مکنون خاطر حقایق مظاهر همایونی است، لهذا در این دوره منتظم انقلابات از تصدی به خدمات دولت احترام نکرده، آرزومند بودم در موقعی که نیت مقدسه خسروانه صورتی خارجی پیدا کرده، آفتاب مشروطیت از مطلع عظوفت ملوکانه به آفاق امید و انتظار ایران می تابد، در حسن اجرای مقاصد مقدسه صرف مقدرت نمایم. با اینکه دو دستخط جهانمطاع همایونی، که اخیراً در اجازه تجدید انتخابات نمایندگان ملت و تهیه افتتاح پارلمان شرف صدور بخشید، به خوبی آشکار می ساخت که هیچگونه قصد کسر و نقصانی در ارکان مشروطیت به قلب تابناک شاهنشاهی راه نیافته؛ و قانون اساسی ایران مرکب از پنجاه و یک اصل سابق که به امضای شاهنشاه مبرور انارالله برهانه رسیده و یکصد و هفت اصل لاحق که به صحه اقدس ملوکانه موشح و مزین است، تماماً محفوظ و اجرای مدلول قوانین مزبوره کاملاً منظور و مقصود همایون است؛ مع هذا محض رفع پاره ای شبهات و برای اینکه بر افراد اهالی پوشیده نماند که خاطر مهرمظاهر اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء در استرضای قلوب اولاد روحانی خود، هیچ قسم تأمل روا نمی دارد، به موجب دستخط جهانمطاع، مجدداً عواطف شاهانه به تصریح دو دستخط سابق شامل و متوجه گردید. حال بر عموم ابنای وطن عزیز است که به تشکر این عطیه گرانبهای خسروانه از جان و دل حاضر، و به پاداش خدمتی که در این موقع موفق به انجام آن شدم در حفظ نظم و امنیت مملکت، خصوصاً در ترك مباینت و نفاق خانه برانداز - که بدبختانه از چندی به این طرف، به عنوان مشروطه طلبی و استبداد خواهی در میان فرزندان يك خانه و خاك حادث شده است - همت و غیرت نمایند و اغراض شخصی و امراض هواپرستی را از خود دور کرده، یکدل و يك جهت در شاهراه اتحاد همقدم باشند تا به سلامت ابدی و سعادت سرمدی نایل آیند. سعدالدوله.

سواد دستخط این است:

چون ترفیه حال و تأمین قلوب ابنای وطن که اولاد روحانی ما هستند، بیش از پیش منظور نظر، و تشیید مبانی اتحاد بین دولت و ملت، زائداً علی

۱- صورت این تلگراف را مرحوم ناظم الاسلام کوها بدو بدست آورده است و روی يك ورق مستقل نال کرده است، چون به وقایع این روز مربوط بود در این جا آورده شد.

ماسبق ، مقصود همایون ما است ؛ و برای حسن اعمال این نیات مقدس ، توضیح هر مبهم و تفصیل هر مختصری که تشویش قلوب و تخدیش اذهان عامه را باعث بتواند شد لازم است؛ علیهذا درتصریح دستخط سابق، محض آگاهی عموم می نویسم که مشروطیت ایران در روی همان یکصد و پنجاه و هشت اصل قانون اساسی برقرار و سعادت مملکت را اساس و مدار است. ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۷ .

محمد علیشاه قاجار .

سواد تلگراف کمیته ازطهران به کرمان ، مورخه فوق

خدمت آقایان اعضاء محترم انجمن های ایالتی و ولایتی و عموم اهالی دامت تأییداتهم . محض بشارت و اطمینان قلوب عموم ابناء وطن و طالبین سعادت و ترقی مملکت ، اظهار می شود: بهیمن اشفاق و مراحم مخصوص بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی خلدالله ملکه و سلطانه ، و همراهی و سعادت هیئت وزراء عظام ، دستخط مجددی که از طرف اعضاء کمیته واسطه ، برای رفع ابهام دستخط های سابق و تصریح در رفع تعطیل مشروطیت، مطابق یکصد و پنجاه و هشت اصل قانون اساسی ، استدعا شده بود، امروز به شرف صحه مبارک همایونی تزیین یافته و اعضاء کمیته به شرف زیارت آن نایل شدند. چون صدور این دستخط مقصود اصلی اعضاء کمیته و عموم اهالی غیرتمند ایران بود، اطلاع عموم برادران وطن را از آن لازم دانسته ، اجمالا به تبشیر و اعلام آن اقدام کردیم و اطلاع از عین مضمون دستخط مبارک را به امعان رسمی هیئت وزراء عظام - که عنقریب انتشار خواهد یافت - موکول نمودیم. امید است بامراحم مخصوص بندگان اقدس همایون و همراهی و توجه عموم ملت، حسن عاقبت و سعادت استقبال مملکت، در سایه توجهات اولیای اسلام علیهم السلام و اقبال همایونی و متابعت قوانین مشروطیت و حصول اتفاق و اتحاد ، مقدور و میسر شود . حاضرین از اعضاء کمیته : جناب حاجی امام جمعه خوئی، جناب حاج سید نصرالله، جناب آقامیرزا محمد خراسانی، جناب صنیع الدوله ، جناب وثوق الدوله ، جناب حسینقلیخان نواب ، جناب حکیم الملك ، جناب آقا میرزا سلیمان خان ، جناب مستشارالدوله ، جناب وحیدالملك .

روز یکشنبه ۳ ج ۱ - [۱۳۲۷] . امروز را رفته دیدن جناب آقا سید مهدی طباطبائی، که این بزرگوار در این مدت پنج ماه ، در سفارتخانه عثمانی معتکف بود . شاهزاده مرآت الدوله هم با برادرش ضیاء الدین میرزا آمدند آنجا . صحبت از عضدالسلطان به میان آمد . شاهزاده مرآت الدوله گفت در حکومت خود ، مردم را محرك شده بود که در تلگرافخانه حاضر و مطالبه حقوق خود را بنمایند و تلگرافی که همراهی از مجلس را کاشف باشد مخا بره نمایند ، که در این بین، تلگراف شاه مخا بره شده بود که : «عضدالسلطان ، مجلس

را به توپ بستم ، هر کس اسم مشروطه را ببرد ، او را به دار کشید . عضدالسلطان فوراً تلگراف را اعلان کرد . تمام مردم فرار کرده ، آن بی انصاف خانه ها خراب کرد ، زنها را بی شوهر و اطفال را یتیم کرد . از آن جمله جمعی را که عارض بود [ند] و از بعضی طلب داشتند ، آنها را به دار کشید و آتشی در ملایر روشن کرد که دودش عالم را گرفت . روزنامه کشکول شماره ۹ مورخه ۱۲ ربیع الثانی، رسید . مقاله ای به عنوان اصفهان می نویسد که از این قرار است :

اصفهان سه چهار روز است ، جناب مستطاب یگانه سردار غیور شجاع ملت ، آقای ضرغام السلطنه حاجی ابراهیم خان، معسکر خود را در خارج شهر مقرر داشتند و سراپرده خود را بیرون زده اند جماعتی هم از سواره و پیاده بختیاری تحت ریاست شیر بیسه شجاعت ، فرزانه فرزند ارشد اشجع آقای ضرغام السلطنه ، ابوالقاسم خان در خیام نصرت فرجام منزل گرفته اند . جناب هژیر السلطنه هم با سواره خودشان ملحق و سایر سرداران محترم ملت، به تدریج به ایشان ملحق می شوند . غرضشان ترتیب تهیه حرکت به طرف طهران است که ان شاء الله تعالی ، به ورود جناب حاجی علی قلی خان ، با اردوی ملازم ایشان ، فوراً روانه شوند و امیدواریم زودتر به انجام مرام موفق شوند .

ایضاً مقاله ای در باب آذربایجان می نویسد ، از قرار ذیل :

واقعه غیر مترقبه آذربایجان این اوقات بواسطه محاصره سخت قشون دولتی ملت مظلومه آزادی پرست آذربایجان از حیث آذوقه در عسرت و زحمت افتادند و از هیچ نقطه آذوقه به شهر وارد نمی شد و معلوم است شهری که قریب دوست هزار جمعیت دارد همه روزه باید مقداری آذوقه به آنجا وارد شود و الآن متجاوز از ده ماه است که قشون مستبده و اتباع نمرود و شداد تمام راهها را به روی مردم آذربایجان بسته اند . و چون دیدند از حمله و جنگ ، نتیجه ای غیر از خذلان و شکست فاحش نبود ، لهذا دست از جنگ برداشته بنای خدعه و نامردی را گذاشته و شهر را به محاصره انداخته و آب و نان را به روی آنها بستند که شاید به این وسیله خسیسانه مردم را مجبور به تسلیم نمایند . غافل از آنکه ، کسانی که لذت آزادی را چشیدند، جان می دهند و زیر بار ننگ تسلیم به استبدادیان نمی روند. مجملات چند روز قبل تلگرافاً خبر رسید که جماعتی از اتباع خارجه و ضعفاء داخله به قونسلخانه ها پناهنده شده و از نداشتن آذوقه شکایت کرده اند . قناسل خارجه ، به توسط سفراء مقیمین دربار ، رفع محاصره را از دولت استدعا کرده اند. و زرای دربار اعتنائی به شفاعت آنها نکردند و بالاخره به خیال خدعه و مکر افتادند و قرار دادند شش روز حمله و مدافعه موقوف و جنگ متارکه باشد ، تا ملتیان در



ظرف شش روز تحویل آذوقه بنمایند. سفراء هم به قونسلخانه‌های خودشان در تبریز اطلاع دادند، آنها هم رسماً به مجاهدین ملت اخطار کردند. مجاهدین هم سنگرها را تخلیه نموده و در مقام تحویل آذوقه برآمدند. قشون دولتی غلغله حمله برده و بعضی از سنگرهای ملت را متصرف شدند. ملتیان به قونسلخانه‌ها اظهار کردند که ما برحسب اطمینانی که به قول شما داشتیم سنگرها را تخلیه کردیم و قشون دولتی برخلاف تمام قواعد کلیه عالم، در ایام متارکه، حمله برده‌اند و برعهده شماست که آنها را برگردانید. آنها هم به وزیر مختار اظهار کردند و وزراء مختار، به دولت پروتست کردند و دولت به مسامحه و تعمل به آنها رفتار کرد. و این مطلب برخاطر مبارك اعلي حضرت امپراطور اعظم روسیه بسیار ناگوار آمده، مقرر فرمودند قشون مرکب از دوهزار نفر سوار با بیست و چهار عراده توپ، از قشون ساخلوی سرحدی، داخل خاک ایران شوند و راه جلفا را به روی ملتیان بازکنند. و اعلانی هم در تمام بلاد ایران منتشر نمودند که ما آن را عیناً در ذیل نقل می‌کنیم و برای رفع تزلزل و وحشت هموطنان محترم که بعضی خیالات موحشه کرده‌اند و پاره‌ای احتمالات ضعیفه داده‌اند، ناچاریم توضیح نمائیم که مضمون آن لایحه تقریباً صحیح است، چه: اولاً پادشاه چم‌چاه روسیه، با قطع نظر از مسلک دولت روسیه، شخصاً مردی نوع پرست و صلح‌طلب است، چنانکه تشکیل و تأسیس انجمن محترم کانفرانس صلح عمومی لاهه، از آثار نوع پرستی آن پادشاه معظم است؛ و البته در این موقع نتوانستند ملتی را در شرف هلاکت ملاحظه فرمایند و با نهایت اقتدار از حمایت آنها باز نشینند؛ ثانیاً بغیر از این عنوان، دلیلی دیگر بر مداخله در داخله ایران ندارند و مطابق معاهدات معهوده، به هیچ وجه نمی‌توانند در امور داخله ایران تصرف و مداخله نمایند. بلی دولت انگلیس به ملاحظه پاره‌ای مداخلات نامشروع اشرار تنگستانی و سفهاء بوشهر دو جهاز جنگی خود را به بوشهر رسانید که اتباع خود را محافظت نماید و تقریباً مختصر دلیلی بر اقامت آن دو جهاز در دست داشت؛ اما ملت آذربایجان به طوری عالمانه با اتباع خارجه رفتار کردند که به هیچ وجه راه اعتراض بردول مجاوره باز نشد. پس دولت روس را غیر از نوع پرستی مقصودی دیگر نمی‌تواند باشد. بعلاوه این طور شهرت دارد که ملت آذربایجان خودشان استدعا کرده‌اند که قشون دولت روس به حمایت آنها بیایند (وحتماً این شهرت خلاف است) و از بعضی تلکرافات چنین معلوم می‌شود که همان سنگر معهود را دومرتبه ملتیان، به فداکاری جماعتی از غیرتمندان، مجدداً متصرف شدند و چند عراده توپ هم از دولتیان گرفته‌اند. و بعضی تلکرافات دیگر شهادت می‌دهد که هنوز تا چهار ماه

دیگر ملت آذربایجان آذوقه فراوان دارند .

پاره [ای] مکاتیب و اخبار تلگرافی هم دلالت دارد بر اینکه سفراء دول متحابه عموماً ، و سفیرین دولتین روس و انگلیس خصوصاً ، پروتست بسیار سختی رسمانه به دولت ایران کرده‌اند و اعاده مشروطیت را خواسته‌اند .

از طرفی مردم ایران از دوطرف ، از دو همسایه وحشت دارند و ورود آنها را باعث زوال استقلال ایران می‌دانند و بر روان دولتیان لعنت و نفرین می‌خوانند . و از طرفی انجمن وفاق مصر می‌گوید از هر سه همسایه مطمئن باشید که کاری باشماها ندارند .

و مستر ادوارد گری ، وزیر امور خارجه انگلیس در پارلمان انگلستان ، در جواب اعتراضات مستر لنچ که دولت انگلیس را ترغیب می‌کند که ملت ایران را در مقابل استبدادیان حمایت نماید ، می‌گوید که منتهی حمایت ما به ملت آزادی پرست ایران ، این است که : اولاً نگذاریم هیچ دولتی مداخله در امور داخله ایران نماید ؛ و ثانیاً مانع شویم از اینکه کسی به دولت ایران بدون امضاء پارلمان قرض بدهد ، و مشروطیت ایران هم عما قریب ایجاد و محکم می‌شود . و معلوم است حرف وزیر امور خارجه انگلیس از روی حدس و قیاسی نیست ، بلکه از روی کمال اطلاع و مطابق پلٹیک وقت است ، چه معیار پلٹیک اروپا و آسیا تمام در دست آنها است و نمی‌توانیم نسبت اشتباه یا خدعه به آنها بدهیم . مجعلاً ما در بیان این همه حرف‌های مختلفه مات و مبهوت مانده‌ایم . فقط آنچه می‌توانیم بگوئیم مضمون همان لایحه منتشره است که ذیلاً نقل می‌نمائیم و البته هر کس اهل دقت باشد و مکرر بخواند ، مقصود را درک می‌نماید . ولی گمان می‌کنم بلکه یقین داریم این قشون به تبریز نرسد و قبل از دخول آنها ، مابین دولت و ملت اصلاح شود و دستخط مشروطیت صادر گردد و قشون دولتی اطراف تبریز را تخلیه نماید و ملت آذربایجان آسوده شوند .

#### سواد تلگراف

چون به مقام منبع و پیشگاه معدلت دستگاه اعلیحضرت قوی شوکت امپراطور اعظم ممالک روسیه ، عرض شده که اهالی تبریز ، به علت تنگی نان و کلیه آذوقه ، به تنگی و عسرت افتادند به نهجی که بعضی مردم و پاره‌ای قریب به موت هستند ؛ لهذا بر حسب امر اعلیحضرت امپراطور ابدالله ملکه ، قشونی از طرف اولیای دولت قوی شوکت روسیه ، محض رفاه و آسودگی و رفع جوع و استراحت عمومی اهالی تبریز و اتباع دولت روسیه ، مأمور به تبریزند . نه اینکه فرستادن قشون ، مخالفت و عداوت با دولت و ملت باشد ؛ بلکه از روی مهربانی